



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

تعیین کننده های اجتماعی قانون مداری: مقایسه جامائیکا و باربادوس

اندرو داوسون*

خلاصه- این مقاله تعیین کننده های اجتماعی قانون مداری را بررسی میکند با مقایسه جامائیکا و باربادوس، دو کشور دارای شباهتهای بسیار، اما برآمدهای واگرا در زمینه قانون مداری این بررسی صورت میپذیرد. تحقیقات یک رویکرد قیاسی را اتخاذ می نماید، بویژه اصول واگرایی قانون مداری بین جامائیکا و باربادوس با تکیه بر دوره مستعمراتی گذشته (۱۹۶۶-۱۹۳۷). با استفاده از داده های جدید جمع آوری شده از تحقیقات بایگانی، مشروعیت دولت به صورت عامل اصلی شناسایی میشود که به توضیح خط سیرهای واگرایی قانون مداری در پسا استقلال جامائیکا و باربادوس کمک میکند. با فراتر رفتن از توضیحات مبتنی بر دولت قانون مداری، این تحلیل حاکی از این است که قانون مداری نه تنها به ویژگی های دولت بلکه به ویژگی های جامعه وابسته است.

کلید واژه ها: قانون مداری، ظرفیت دولت، تاریخ قیاسی، کارائیب، جامائیکا، باربادوس

۱. مقدمه

مطالعه قانون مداری دارای پیشینه طولی است. هابز (۱۶۵۱ [۱۹۵۸]) نیاز به یک دولت قوی برای تامین قانون مداری به منظور جلوگیری از نظم اجتماعی را شناسایی نمود که در آن زندگی در جنگ "همه در مقابل همه"، "منزوی، ضعیف، نامطبوع، پست و کوتاه" خواهد بود. از زمان هابز، مسائل پیرامون قانون مداری هم چنان توسط پژوهشگران تداوم یافته است. علی رغم این مساله، طی بیست سال گذشته، بازخیزی در علاقه آکادمیک به قانون مداری، به طور خاص با توجه به تاثیر قانون مداری بر روی توسعه وجود داشته است.

اتفاق نظر پدید آمده ای وجود دارد که یک قانون مداری قوی، همبسته مهم و قوی توسعه است. مطالعات بیشماری حاکی از این است قانون مداری نه تنها به توسعه اقتصادی بلکه به توسعه انسانی (Acemoglu, Johnson, & Robinson, 2001; Dam, 2006; North, 1990) (یعنی سلامت و آموزش- آثار Dawson, 2010; Kaufmann, Kraay, & Zoido-Lobato, 1999) را ملاحظه نمایید)، کاهش فقر (Tebaldi & Mohan, 2010) و تحکیم دموکراسی (Diamond, 2008; Fukuyama,)

Rigobon & Rodrik, 2005; 2011) نیز مربوط است. در طول دو دهه گذشته، کمک به توسعه قانون مداری، به یک مولفه اصلی در حال افزایش تامین کمک خارجی تبدیل شده است. میلیاردها دلار کمک به سوی تقویت قانون مداری در دولتهای ضعیف هدایت شده اند؛ در عین حال، این تلاشها موفقیت کمی بدست آورده اند.

تاکید کنونی توسعه قانون مداری بر "شایسته" شدن موسسات قانونی و دولتی است. یعنی بیشتر کمکها به سوی اصلاح و شکل گیری مجدد نهادهای حقوقی برای همانند شدن با نهادهای حقوقی کشورهای غربی هدایت شده اند، با این فرضیه که یک قانون مداری قوی، طبیعتاً زمانی دنبال خواهد شد که نهادهای شایسته ای برپا شوند. بسیاری از پژوهشگران، دغدغه ها در مورد این استراتژی را افزایش داده اند، به طور خاص چون این استراتژی چندان موفق نبوده است. هاگارد، مکینتایر و تاید (۲۰۰۸) اثبات میکنند "باید در معرفی یک نظام حقوقی خارجی احتیاط کرد... این یک اشتباه بزرگ است که به قانون به عنوان یک تکنولوژی بیاندیشیم که میتواند براحتی به جای دیگری منتقل شود" (ص. ۲۲۱). کاروتز (۲۰۰۹) مشکلات در تامین کمک به قانون مداری را اینطور جمع بندی میکند:

کسب قانون مداری چیزی بسیار فراتر از کسب قضاوت دوره دیده، کارگذاشتن تجهیزات پلیس مدرن و چاپ مجدد و توزیع متون حقوقی است. این کار، یک فرایند قابل تغییر است که میتواند شیوه ای که قدرت در یک جامعه اعمال و توزیع میشود را تغییر دهد... [و] هم چنین شامل تغییرات اساسی در شیوه ای میشود که شهروندان به مرجع قدرت دولتی و هم چنین به یکدیگر گزارش میدهند (صفحات ۶۰-۵۹).

با فرض این انتقادات از رویکرد کنونی برای ترویج قانون مداری و فراخوان برای تاکید بیشتری که باید بر روابط دولت-جامعه صورت پذیرد، فقدان برجسته کار پژوهشی بر روی تعیین کننده های قانون مداری به طور خاص در علوم اجتماعی وجود دارد. این مقاله، مستقیماً با بررسی تعیین کننده های اجتماعی قانون مداری از طریق یک تحلیل تاریخی قیاسی جامائیکا و باربادوس به این مساله میپردازد.

انتخاب جامائیکا و باربادوس باید به عنوان مواردی مطالعاتی باشند که باید از طریق یک تحلیل مفهومی قانون مداری شناخته شوند. طبق گفته وبر ([۱۹۲۲] ۱۹۷۸)، در اساسی ترین تعریف، قانون مداری میتواند به صورت حدی تعریف شود که تا آن حد جمعیت قانون را رعایت میکند. با فرض این تعریف اساسی، با بکارگیری اثر

هاگارد و تایید (۲۰۱۱)، تشخیص بین سه مولفه کلی قانون مداری، مفید است: حفاظت از دارایی شخصی و اجرای قرارداد؛ امنیت شخص (یعنی نبود خشونت غیر قانونی)؛ محدودیت‌های حقوقی که قدرت سیاسی را محدود میکنند.

ادبیاتی که تاثیر قانون مداری را بر توسعه بررسی میکنند تمایل داشته اند بر حفاظت از دارایی شخصی و اجرای قرارداد تاکید نمایند. با این حال، تحقیقات اخیر حاکی از این است کنترل خشونت "یک تعیین کننده بسیار مهم عملکرد اقتصادی است" و تاثیراتش دست کم گرفته شده است، که به طور بالقوه به اغراق تاثیرات رشدی حقوق دارایی و اجرای قرارداد منجر میشود. در امریکای لاتین و کارائیب، جرائم خشونت آمیز، نه تنها یک دغدغه قانون مداری جدی محسوب میشود، بلکه به یکی از بحرانی ترین مسائل اجتماعی در منطقه تبدیل شده است. جدای از هزینه های انسانی، اجتماعی و روانشناسی مخرب، هم چنین اثبات میشود خشونت مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحکیم دموکراتیک است، این مساله منجر به این شده است که سازمان سلامت هر دو امریکا آن را به صورت "همه جا گیر اجتماعی" هر دو امریکا برچسب گذاری نماید. در حقیقت، مساله کنترل یا مدیریت خشونت از سوی برخی به عنوان اساسی ترین کارکرد یک دولت تلقی میشود. مطابقاً، از آنجاییکه ادبیات به شکل بسیار سنگینی بر حقوق دارایی و اجرای قرارداد تاکید نموده اند، این مقاله بر بعد امنیت شخصی قانون مداری تمرکز (یعنی خشونت) خواهد نمود. این کار با کنترل دو مولفه دیگر قانون مداری مداری از طریق انتخاب موردی انجام میگردد- همانطور که در زیر خلاصه شده است، جامائیکا و باربیدوپ دارای محیط‌های دموکراتیک مشابهی هستند (یعنی محدودیتها مشابه در مورد قدرت سیاسی) و سطوح مشابه اجرای قرارداد و حفاظت از دارایی خصوصی اما از نظر ظرفیت خود برای محدود نمودن خشونت متفاوت هستند.

یافته های اینجانب حاکی از این است مشروعیت دولت یک تعیین کننده قطعی قانون مداری است که به توضیح خط سیرهای واگرایی آن در جامائیکا و باربادوس کمک میکند. به علاوه، اواخر دوره استعماری به صورت دوره بحرانی شناخته میشود که این جزایر را به مسیرهای قانون مداری متفاوت پسا استقلال فرستاد. این مقاله به صورت ذیل سازماندهی شده است. بخش ۲، مقایسه دقیقی از قانون مداری را هم در جامائیکا و هم باربادوس ارائه میدهد، در حالیکه ناتوانی ادبیات برای توجیه تفاوت‌های کنونی در قانون مداری بین این دو مورد را مورد تاکید قرار میدهد. هم چنین رویکرد متدولوژیکی را مورد نقد و بررسی قرار میدهد و یک خلاصه از رئوس مطالب

بحث کلی را ارائه می‌دهد. آنگاه در بخش ۳ عواملی را دنبال میکنم که سبب ایجاد تفاوتها در مشروعیت دولتی بین جامائیکا و باربادوس شده است، در حالیکه بخش ۴ شیوه ای را بررسی میکند که این تفاوتها در مشروعیت دولتی به واگرایی قانون مداری منجر شده اند. این مقاله با بررسی مضامین عملی و آکادمیک تحقیقات پیرامون تقویت قانون مداری نتیجه گیری میکند.

۲. پازل: تغییرات در قانون مداری در جامائیکا و باربادوس

جامائیکا و باربادوس، دو کشوری هستند که دارای شباهتهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مشترکی هستند. هر دو مستعمرات بریتانیای سابق هستند که در دهه ۱۹۶۰ استقلال خود را بدست آورده اند؛ در واقع، آنها تنها دو مستعمره بریتانیای سابق هستند که برای مدت بیش از سیصد سال تحت استعمار بریتانیا بوده اند. هر دو کشور، مستعمرات سابق کشت شکر با تاریخچه بردگی بوده اند و هر دو کشور در طول ۵۰ سال دموکراسی های نسبتاً قوی بوده اند. جمعیت هایشان دارای ترکیبات قومی مشابهی است و هر دو اعضای بازار واحد CARICOM هستند. با وجود این شباهتها،

جدول ۱. مقادیر کنونی قانون مداری

| نرخ قتل ^ب (۲۰۰۴) / (۲۰۰۸) | ارتشاء الف (۲۰۰۷) | قانون مداری الف (۲۰۰۷) | |
|---|----------------------|---------------------------|----------|
| ۵۹,۵ | ۳۹,۱ | ۳۱,۹ | جامائیکا |
| ۸,۷ | ۸۹,۹ | ۸۷,۶ | باربادوس |

منابع:

الف. بانک جهانی (۲۰۰۸). رتبه ها بر حسب درصد نسبت به کل کشورها، با یک درصد بالاتر که نظارت قویتری را نشان میدهد. شاخص قانون مداری "ادراک میزانی را نشان میدهد که عاملها به آن اعتماد دارند و قوانین اجتماع را رعایت میکنند و به طور خاص کیفیت اجرای قرارداد، حقوق دارایی، پلیس و دادگاه ها، هم چنین احتمال جنایت و خشونت". شاخص ارتشاء "ادراک میزانی را نشان میدهد که قدرت عمومی برای نفع شخصی نسبت به آن اعمال میشود".

ب. UNODC (۲۰۱۱). مقادیر به ازای جمعیت کل ۱۰۰,۰۰۰ نفر.

در حال حاضر تفاوت برجسته ای در میزان قانون مداری در هر دو کشور وجود دارد (به جدول ۱ مراجعه نمایید).

با نگاه به دو میزان نخست در جدول ۱، بدیهی است بانک جهانی، با توجه به ارتقاء قانون مداری (یک تفاوت رتبه های ۵۵,۷ درصد) و کنترل ارتشاء (یک تفاوت رتبه های ۵۰,۸ درصد)، دولت باربادوس را در رتبه ی بسیار بالاتری نسبت به دولت جامائیکا قرار میدهد. این تفاوت با نرخ کشتار جامائیکا به ازای هر ۰۰۰.۱۰۰ نفر بازتاب میشود، زیرا تقریباً هفت برابر نرخ قتل باربادوس میباشد. به علاوه در سال ۲۰۰۸، نرخ قتل جامائیکا، دومین نرخ قتل گزارش شده در دنیا بود- در آن سال بیش از یازده برابر نرخ گزارش شده در ایالات متحده بود. بنابراین، داده های جدول ۱ دال بر این است که تفاوت‌های آشکاری در قانون مداری بین باربادوس و جامائیکای معاصر وجود دارد؛ در عین حال، این تفاوتها همیشه چندان برجسته نیستند. چنانچه داده های موجود پیرامون دوره استقلال را بررسی نماییم (۱۹۶۲ برای جامائیکا؛ ۱۹۶۶ برای باربادوس)، این تصویر، بسیار متفاوت است (به جدول ۲ مراجعه نمایید).

جدول ۲ حاکی از این است تفاوتها در قانون مداری بین این دو کشور نزدیک به استقلال، بسیار کمتر معلوم است. از آنجاییکه رتبه های بر حسب درصد بانک جهانی در جدول ۱ قبل از دهه ۱۹۹۰ موجود نیست، شاخصهای موجود دیگر قانون مداری علاوه بر نرخ قتل در جدول ۲ ارائه میشوند. در مقایسه با تفاوت تقریباً هفت برابری در نرخ قتل معاصر بین دو کشور، جدول ۲ نشان میدهد تفاوت بسیار جزئی در نرخهای قتل پیرامون زمان استقلال وجود داشته است. گرچه شاخص های تجاوزها و هتک حرمت‌های ناموسی گزارش شده در جدول ۲، بسیار از آمار قتل کمتر قابل اطمینان است، اما با این حال یک تصویر مشابه را میکشد که حاکی از این است هر دو کشور دارای سطوح تقریباً مشابه قانون مداری (یعنی جرائم خشونت آمیز) در حوالی زمان استقلال هستند. به علاوه، تفاوتها پیرامون ظرفیت سازمانی نظام قضایی، اعمال قانون و اجرای قرارداد بین جامائیکا و باربادوس، کاملاً جزئی بود. به طور کلی، هم جامائیکا و هم باربادوس، در موقعیتهای کاملاً مشابهی در زمینه قانون مداری در زمان استقلال بودند، اما امروز تفاوت‌های مشهودی بین این دو وجود دارد. این خط سیرها، با بررسی روند تاریخی نرخ قتل در هر دو کشور به بهترین شکل خلاصه میشود (به شکل ۱ مراجعه نمایید).

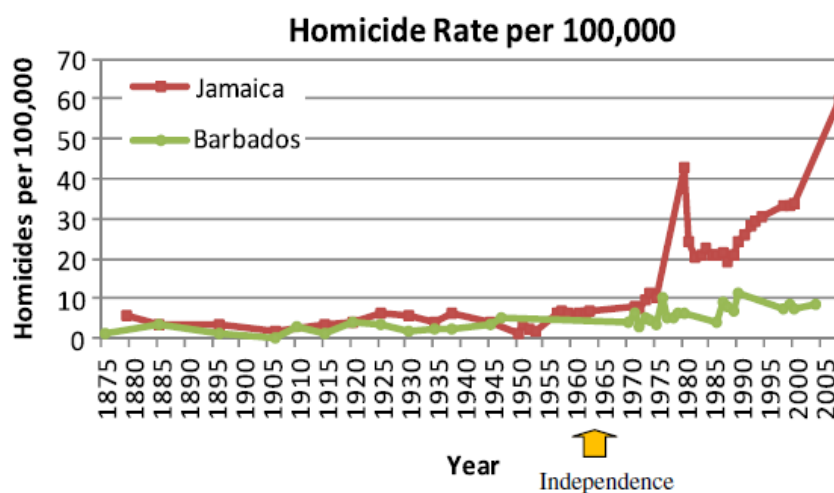
شکل ۱ نشان میدهد همانطور که انتظار میرفت با فرض شباهتهای این دو کشور، نرخ قتل تقریباً بین دو کشور تا زمان دوره پسا استقلال، مشابه بود. مدت کوتاهی پس از استقلال، یک واگرایی ناگهانی و قابل توجه بین دو کشور دیده میشود. نرخ قتل در جامائیکا به سمت بالا سوق می یابد، در حالیکه در باربادوس، نرخ قتل پسا استقلال تقریباً روند تاریخی خود را دنبال میکند. ادبیات نمیتوانند این واگرایی را توجیه نمایند.

گرچه هنوز چیزهای زیادی وجود دارد که ما در مورد تعیین کننده های قانون مداری نمیدانیم، ادبیات جرم شناسی و ساختمان دولت، نگرشی هایی را ارائه میدهند. ادبیات جرم شناسی بین ملتها، دو عامل اصلی را شناسایی میکنند که دارای تاثیر همیشه قوی بر نرخهای قتل است: توسعه اقتصادی و نابرابری اقتصادی. ادبیات ساختمان دولت همچنین برخی عوامل را شناسایی میکنند که بر ظرفیت دولت تاثیر میگذارند (در اینجا قانون مداری یک کارکرد اصلی دولت است). این ادبیات جنگ/ تهدید جنگ، مالیات وسیع و مستقیم

جدول ۲. مقادیر دوره استقلال قانون مداری

| هتک حرمت (۱۹۷۰) | تجاوز (۱۹۷۰) | قتل | نرخ (۱۹۶۲/۱۹۴۷) | |
|-----------------|--------------|-----|--------------------|----------|
| ۰,۲ | ۵,۱ | | ۶,۱ | جامائیکا |
| ۰,۶ | ۵,۴ | | ۵,۲ | باربادوس |

منبع: UNODC (۲۰۱۱). نرخها به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، جز برای قتل (به ازای هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت)



شکل ۱. نرخهای قتل در جامائیکا و باربادوس، ۲۰۰۸-۱۸۷۵. منابع: کتاب رسمی دولتی جامائیکا (1879, 1885, 1896, 1906, 1915, 1920, 1925, 1930, 1935, 1938, 1945)، کتاب راهنمای جامائیکا (1875, 1885, 1896, 1906, 1955, 1960, 1965)، Blue Book of Barbados (1875, 1885, 1896, 1906, 1955, 1960, 1965)، UNODC (2011) (1910, 1915, 1920, 1925, 1930, 1935, 1938, 1945, 1947). داده های جمعیت گرفته شده از بانک جهانی (۲۰۱۱ب) زمانیکه از منبع موجود نیست.

شهروندی، دموکراسی، رقابتی بودن دموکراتیک، ساختار محرک سیاسی، تنوع قومی، قدرت استعماری سابق و میزان پیچیدگی سازمانی سیاسی پیش استعماری، نوع سلطه ی استعماری، اندازه جمعیت و میزان اتحاد با اقتصاد جهانی را به صورت عواملی شناسایی میکنند که بر ظرفیت دولت تاثیر میگذارد. برای خلاصه ای از این عوامل و امتیازات مربوطه شان برای جامائیکا و باربادوس پیرامون استقلال به جدول ۳ مراجعه نمایید. گرچه این دو کشور به ندرت شبیه بودند اما دارای شباهتهای مهم بسیاری بودند و تنها یک عامل - اندازه جمعیت - به صورت یک توضیح احتمالی، برجسته است که میتواند تفاوتها در قانون مداری را توجیه نماید. گرچه باربادوس و جامائیکا هر دو بر حسب استانداردهای بین المللی، کشورهای کوچکی هستند، اما دارای تفاوت جمعیت معناداری در زمان استقلال هستند (جدول ۳). با این حال، یک

جدول ۳. خلاصه ای از تعیین کننده های ظرفیت دولت نزدیک استقلال

| تفاوت | باربادوس | جامائیکا | تعیین کننده های ظرفیت دولت |
|-------|---------------------------|---------------------------|------------------------------------|
| حداقل | ۸,۶۵۵ دلار | ۵,۸۸۱ دلار | تولید ناخالص داخلی/سرانه الف |
| حداقل | ۵۳,۳ | ۵۳,۲ | نابرابری (شاخص جینی (GINI)) ب |
| حداقل | هیچ/ پایین | هیچ/ پایین | جنگ/ تهدید جنگ |
| حداقل | ۲۴,۲٪ تولید ناخالص داخلی | ۲۴,۹٪ تولید ناخالص داخلی | درآمد مالیات ث |
| حداقل | بله | بله | دموکراسی |
| حداقل | قوی | قوی | رقابتی بودن دموکراتیک |
| حداقل | دموکراسی پارلمانی | دموکراسی پارلمانی | ساختار محرک سیاسی |
| حداقل | اکثریت آفریقایی- کارائیبی | اکثریت آفریقایی- کارائیبی | تنوع قومی د |
| حداقل | بریتانیا | بریتانیا | استعمارگر اسبق |
| حداقل | هیچ (بدون سکنه) | اساسا هیچ (تقریبا) | میزان سازماندهی سیاسی پیش استعماری |

| | | | |
|-------|-------------|-------------|-----------------------|
| | | بدون سکنه) | |
| حداقل | سلطه مستقیم | سلطه مستقیم | نوع سلطه استعماری |
| متوسط | ۲۳۲,۰۰۰ | ۱,۶۷۸,۰۰۰ | اندازه جمعیت ای |
| حداقل | بالا | بالا | اتحاد با اقتصاد جهانی |

منابع:

الف. هستون، سامرز و آتن (۲۰۱۱).

ب. بایونز (۲۰۰۸).

ث. بانک جهانی (۲۰۰۲).

د. بخش آمار (۱۹۶۰)، دفتر آمار مرکزی (۱۹۶۰).

ای. بانک جهانی (۲۰۱۱ ب).

مقایسه میزان قتل جزایر کوچک انگلیسی-کارائیب (با داده های موجود) در جدول ۴ ارائه شده است که نشان میدهد اندازه جمعیت باربادوس، نرخ قتل پایین آن را برای این منطقه شرح نمیدهد. سه جزیره دارای جمعیتهای بسیار کوچکتر از باربادوس (آنگویلا، سنت کیتس و نویس، سنت لوسیا) همگی دارای نرخهای قتلی هستند که به طور قابل توجهی بالاتر میباشند. بنابراین یک توضیح آشکار مسیره‌های واگرایی قانون مداری بین دو جزیره وجود ندارد. این مقاله، واگرایی پسا استقلال را در قانون مداری بین جامائیکا و باربادوس شرح میدهد که نگرشی را برای مساله تحقیقاتی وسیعتر شناسایی تعیین کننده های اجتماعی قانون مداری ارائه میدهد.

در بررسی واگرایی در قانون مداری بین باربادوس و جامائیکا، این مقاله یک رویکرد تاریخی قیاسی را نشان میدهد. شامل یک تحلیل قیاسی عمیق این دو مورد در طول اواخر دوره استعماری میشود (۱۹۶۶-۱۹۳۷). من تحقیقات تاریخ نگاری وسیعی را برای خلاصه سازی ترتیب رویدادها در طول تحول به استقلال انجام میدهم که در نهایت بر روی قانون مداری برای هر مورد تاثیر میگذارد، آنگاه از "مقایسه های مورد متقابل رخداندنگاری های درون موردی به عنوان مبنایی برای استنباط های سببی" استفاده میکنم. در حالیکه ادبیات ساختمان دولت این مسئله را به رسمیت میشناسد که موسسات دولتی تمایل دارند کاملاً ساکن باشند، هم چنین تحول استقلال به صورت یک دوره بحرانی را تصدیق میکند که میتواند به طور بالقوه به سرعت دولت را متحول سازد.

اواخر دوره استعماری را به صورت دوره بحرانی شناسایی میکنم که به عنوان شالوده واگرایی در قانون مداری بین جامائیکا و باربادوس پس از استقلال محسوب میشود. در طول اواخر دوره استعماری بود که هر دو جزیره، تغییر سیاسی عمده ای را تجربه نمودند اعم از تحول به حق رای عمومی و آنگاه استقلال. بنابراین برای شناخت خط سیرهای متفاوت قانون مداری بین پسا استقلال جامائیکا و باربادوس، بایستی آنچه در طول این دوره بحرانی رخ داده است را بررسی نماییم.

این تحلیل حاکی از این است که میزان تفاوتها در نگرشها نسبت به مشروعیت دولت در طول تحول به حق رای عمومی، نهایتاً بر قانون مداری تاثیر گذاشت. تفاوتها در میزانی که توده مردم مشروعیت دولت را در طول اواخر دوره استعماری بین جامائیکا و باربادوس پذیرفتند، با سه متغیر شکل گرفت: (۱) همبستگی طبقه نژادی؛ (۲) سوگیری مذهب طبقه پایین اجتماع به سوی نظم محقق قانون مداری شده؛ و (۳) شرایط ساختاری که استقلال داخلی فرهنگی و توسعه یک فرهنگ نافرمانی بین طبقه پایین اجتماع را تسهیل نمود.

جدول ۴. نرخ های قتل در کشورهای کوچک نگلیسی- کارائیبی و وابستگی ها.

| کشور | نرخ قتل الف | جمعیت ب | سال |
|-----------------|-------------|---------|------|
| آنگویلا | ۲۷,۶ | ۱۵,۰۹۴ | ۲۰۰۷ |
| باهاما | ۱۳,۷ | ۳۲۱,۴۵۳ | ۲۰۰۴ |
| باربادوس | ۸,۷ | ۲۵۲,۵۹۶ | ۲۰۰۴ |
| بلایز | ۳۴,۳ | ۲۸۲,۶۰۰ | ۲۰۰۸ |
| سنت کیتس و نویس | ۳۵,۲ | ۴۶,۹۸۵ | ۲۰۰۸ |
| سنت لوسیا | ۱۶ | ۱۶۲,۴۳۴ | ۲۰۰۷ |

منابع:

الف. UNODC (۲۰۱۱). نرخها به ازای جمعیت ۱۰۰,۰۰۰ نفر.

ب. بانک جهانی (۲۰۱۱). داده های جمعیت برای سال ۲۰۰۲. داده های جمعیت آنگویلا گرفته شده از آژانس هوش مرکزی (۲۰۱۱).

درجه پذیرش مشروعیت دولت از سوی طبقه پایین تر، متغیر مهمی بود که با یک سری رویدادها در طول تحول به حق رای عمومی در هر مستعمره متقابلاً اثر داشت که در موقع خود بر روی قانون مداری تاثیر داشت. در

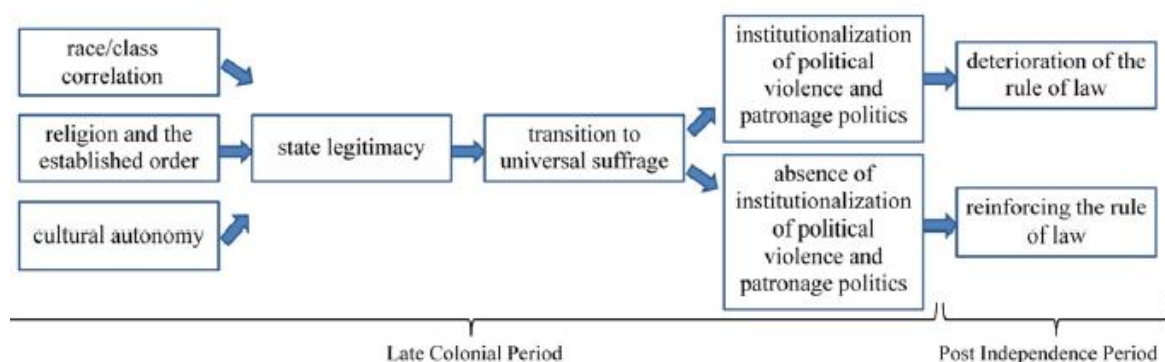
جامائیکا، یک سطح پایین تر مشروعیت دولتی در بین طبقه پایین، انتخاب یک رهبر کاریزماتیک را در طول انتخابات حق رای عمومی تسهیل نمود که به نهادینه سازی خشونت و حمایت سیاسی در طول اواخر دوره استعمار منجر شد، که نهایتاً به بدتر شدن قانون مداری پسا استقلال منجر میشود. در باربادوس، سطح بالاتری از مشروعیت دولت در بین طبقه پایین به انتخاب یک حزب خردگرای- قانونی تر در طول نخستین انتخابات عمومی برگزار شده از طریق حق رای عمومی هم بخشی داشت، که مانع نهادینه شدن خشونت و حمایت سیاسی شد، که از بدتر شدن قانون مداری پسا استقلال جلوگیری میکند. برای خلاصه این بحث به شکل ۲ مراجعه نمایید.

۳. توسعه تفاوتها در مشروعیت دولت: همبستگی نژاد- طبقه، مذهب و خود مختاری فرهنگی

همانطور که ذکر شد، تفاوتها در سوگیری طبقه پایین اجتماع در باربادوس و جامائیکا به سوی مشروعیت دولت در طول اواخر دوره استعمار، نتیجه تفاوتها در همبستگی بین نژاد، و طبقه و مذهب و خود مختاری فرهنگی بود. همبستگی نژاد- طبقه، در جامائیکا قوی بود، که سفیدپوستان به طور مجازی طبقه بالای اجتماع، سرخ پوستان طبقه متوسط اجتماع و سیاه پوستان طبقه پایین اجتماع را به انحصار خود در آوردند. این همبستگی به گونه ای بود که بکارگیری تصمیمات و پیشرفتهای اغلب تحت تاثیر شایستگی نژادی فرد برای منصبهای شغلی خاص بود. در باربادوس، همبستگی نژاد- طبقه، ضعیف تر بود. اولاً، گرچه سفید پوستان تقریباً طبقه بالای اجتماع را به انحصار خود در آوردند، همانند جامائیکا، اما تعداد قابل توجهی از سفیدپوستان در طبقه متوسط اجتماع علاوه بر یک جمعیت عمده از سفید پوستان فقیر در طبقه پایین اجتماع وجود داشتند. به علاوه، طبقه متوسط غیر سفید پوست، به نسبت تقریباً برابر سیاه پوستان و سرخ پوستان بودند. به گونه ای که، تقسیم اجتماعی بین طبقات متوسط و پایین اجتماع، در باربادوس کمتر معلوم بود. این مساله با فرض اینکه طبق متوسط در هر دو جزیره، حاملهای فرهنگ سیاسی غالب بود، حائز اهمیت بشمار می آمد که مشروعیت دولت را به رسمیت میشناخت. تا اواخر دوره استعمار، طبقه متوسط در جامائیکا، از نظر سیاسی در تجربه سیاسی بریتانیا و موسسات قدرت امپریالیستی به کارهای اجتماعی تخصیص یافتند، درحالیکه طبقه متوسط اجتماع در باربادوس هم چنان با توجه به فرهنگ سیاسی قدرت امپریالیستی پایمال میشدند. در نتیجه، یک تقسیم اجتماعی کوچکتر بین طبقات

در باربادوس، انتقال فرهنگ سیاسی غالب را از طبقه متوسط به طبقه پایین اجتماع تسهیل نمود، در حالیکه این تقسیم اجتماعی وسیعتر بین طبقات در جامائیکا مانع ارسال فرهنگ سیاسی به طبقه پایین تر اجتماع میشد. در زمینه مذهب، هم در باربادوس و هم جامائیکا، از نظر تاریخی کلیسای وابسته به انگلیس، کلیسای محرز و صاحب مال و مکنت محسوب میشد؛ یعنی، از طریق بودجه های عمومی، تامین مالی میشد. جای تعجب نداشت که کلیسای انگلیسی از دولت حمایت نماید و تمایل داشت از وضع کنونی دفاع نماید. در باربادوس، اعضای کل طبقات در کلیسای انگلیسی حضور می یافتند. برای اعضای طبقه پایین تر اجتماع کلیسای انگلیسی، مزایای زیادی را ارائه کردند: وزرای آن در بازار کار تاثیر داشتند؛ این کلیسا بر نظام آموزشی نظارت قابل توجهی داشت؛ و گره گشایی ضعیفی را توزیع میکرد. در جامائیکا، همانند باربادوس، هم طبقات بالا و هم طبقات متوسط اجتماع در کلیسای انگلستان حضور می یابند؛ در عین حال، طبقه پایین اجتماع، حضور پیدا نمیکنند. طبقه پایین اجتماع در کلیساهای باپتیست، باپتیست بومی و سایر کلیساهای ضد- برتر حاضر میشوند که نظم برقرار را به چالش میکشند و برای استحکام فرهنگی، تحول اجتماعی و توسعه جهان بینی های دیگر، دیوانی را فراهم می آورند. اعضای این کلیساهای، دو شورش شکست خورده را در قرن نوزدهم هدایت کرده بودند، نظامهای قضایی و پلیسی موازی را در پاسخ علیه تبعیض طبقه پایین سیاه پوست سازماندهی کردند و نافرمانی مدنی و احساس ضد دولتی را آموزش دادند.

در نهایت، با توجه به خود مختاری فرهنگی، شرایط ساختاری در باربادوس، کار را برای طبقه پایین اجتماع برای صرف نظر از فرهنگ برتر و توسعه یک ضد فرهنگ انبوه دشوار میسازد، در اصل به صورت یک نتیجه چیدمانهای زمین داری است. از رهایی تا اواخر دوره استعمار،



شکل ۲. چیدمان

بیشتر کارگران کشاورزی، بی زمین بودند و در نتیجه مستاجرین املاک زراعی شدند. سیستم اجاره نشینی در باربادوس، یک چارچوب قانونی هدایت کننده کار زراعی بود که به موجب آن به کارگران بدون زمین یک تکه کوچک زمین نامرغوب در یک مزرعه در عوض کارگری دستمزدی تمام وقت داده میشد که به طور انحصاری در وضعیت زیر نرخ بازار باشند، در اینجا قانون، کنترل اجتماعی وسیع مستاجرین را به مدیران مزرعه داده بود. مطابقاً، صرف نظر از فرهنگ غالب، دشوار بود و به این ترتیب، یک فرهنگ مخالف جمعی، در بین طبقه پایین اجتماع در باربادوس توسعه نیافت. بر عکس، در جامائیکا چیدمانهای زمین داری (نظام رعیتی) شرایط ساختاری را ارائه کرد که استقلال طبقه پایین اجتماع از فرهنگ غالب را تاحدی تامین مینمود. تا اواخر دوره استعمار، اکثر کارگران کشاورزی، به رعایای دارای زمین تبدیل شدند (که برخلاف مستاجرین است)، بسیاری از آنها از نظر اقتصادی خودکفا شدند و به کار دستمزدی حاصل از دارایی های زراعی متکی نبودند. در نتیجه، صاحبان مزرعه، نسبت به باربادوس کنترل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتری بر روی طبقه پایین اجتماع داشتند. این خود مختاری فرهنگی، برای توسعه یک فرهنگ نافرمانی جمعی، فضا ایجاد کرد که (در کنار کلیساهای ضد برت طبقه پایین اجتماع) ساختارهای سلطه نظم اجتماعی موجود را به چالش کشید.

در کل، من ادعا میکنم در باربادوس، نزدیکی نسبی بین طبقات متوسط و پایین اجتماع، انتقال (از اولی به آخری) فرهنگ سیاسی غالب را تسهیل نمود که مشروعیت دولت را تایید میکند. این مساله با مذهبی ترکیب شده بود که به طور فعال از ساختار اجتماعی موجود و با شرایط ساختاری پشتیبانی میکرد که مانع ایجاد فرهنگ نافرمانی مستقر وسیع میشد که به یک فرهنگ سیاسی بین طبقه پایین اجتماع منجر میشد که مشروعیت اختیار دولت را میپذیرفت. در جامائیکا، فاصله اجتماعی بین طبقات متوسط و پایین، مانع اجتماعی شدن سیاسی بین طبقاتی میشود، در حالیکه تفاوت های طبقاتی در عضویت مذهبی (که کلیساهای طبقه پایین اجتماع، ساختار اجتماعی موجود را به چالش کشیدند) با توسعه یک فرهنگ نافرمانی در بین طبقه پایین اجتماع ترکیب شد که به یک فرهنگ سیاسی منجر میگردد که به طور معناداری با فرهنگ سیاسی طبقه متوسط از این نظر فرق دارد که دولت را به صورت مشروع نمی بیند. در حقیقت، تا اواخر دوره استعمار، طبقه پایین اجتماع، دولت را به صورت بیگانه میدید و با یک سوء ظن کلی با آن برخورد میکرد. این تفاوتها در سوگیریهای طبقه

پایین اجتماع نسبت به مشروعیت دولت، شرایط ساختاری را فراهم نمود که با ترتیب وقایع در طول تحول به حق رای عمومی برای تاثیرگذاری نهایی بر قانون مداری ترکیب شد.

۴. تحول به سوی حق رای عمومی:

دوره بحرانی

در طول تحول به سوی حق رای عمومی در اواخر دوره مستعمراتی، محیط سیاسی در باربادوس و جامائیکا، در زمینه های بسیاری مشابه بود. شورشهای نیروی کار در هر جزیره، به توده های پایین تر مردم، جنبه سیاسی بخشیده بود و حرفه های سیاسی اشخاص مهم را در جنبش پیشرو آغاز نمود. قبل از حق رای گیری کامل، جنبش پیشرو در هر دو مستعمره، بین دو دسته تقسیم شدند که رهبران شان زمانی یاور بوده اند اما اکنون رقبای سر سخت شده اند. به علاوه، هر دسته ای توسط یک حزب سیاسی و یک اتحاد تجارت وابسته (یعنی یک مجموعه حزب- اتحادیه) حمایت میشد که دارای تعداد قابل توجهی از اعضا و پیروان بود (حزب کار جامائیکا [JLP] / باستامانت، اتحادیه تجارت صنعتی [BITU] و حزب ملی مردم [PNP] / شورای اتحادیه تجارت [TUC] در جامائیکا؛ حزب کار باربادوس [BLP] / اتحادیه کارگران باربادوس [BWU] و حزب کنگره / اتحادیه کنگره در باربادوس). با این حال، دو مستعمره، شدتهای خشونت سیاسی متفاوتی را تجربه کردند. جامائیکا، برخی موارد جزئی خشونت سیاسی را تجربه کرد که بعداً به رویدادهای جدی توسعه پیدا کرد، سپس با نهادینه سازی خشونت چریکی و حامی پروری دنبال شد. همانطور که در ادبیات کاملاً اثبات شده است، نهادینه سازی خشونت سیاسی و سیاست پشتیبانی در جامائیکا به زوال قانون مداری در دوره پسا استقلال منجر شد؛ در عین حال، دانش کمی پیرامون فرایندهای نهادینه سازی خودشان وجود دارد. گرچه باربادوس هم چنین موارد جزئی خشونت سیاسی را تجربه کرد اما این موارد نه به خشونت توسعه یافت و نه سیاست پشتیبانی روی داد، طوریکه در جامائیکا نهادینه شد. من اثبات میکنم این تفاوتها در دو مستعمره در اصل به خاطر تفاوتها در نگرشهای طبقه پایین اجتماع در زمینه مشروعیت دولت بود.

الف. جامائیکا

در جامائیکا، تحول به سوی حق رای عمومی افراد بالغ، ناگهانی بود. طبق دستور دفتر مستعمراتی، نخستین انتخابات حق رای عمومی، ۱۴ دسامبر ۱۹۴۴ برگزار شد. همینطور، جامائیکا به طور مجازی در طول شب از یک

مستعمره ممالک مشترک المنافع انگلیس (یعنی یک مستعمره که مستقیماً تحت سلطه دفتر مستعمراتی در بریتانیا قرار داشت با حداقل میزان تاثیر سیاسی محلی) به مستعمره ای تبدیل شد که در آن قوه مقننه در مجلس تازه تشکیل شده نمایندگان متمرکز بود که اعضایش تحت حق انتخاب عمومی انتخاب شده بودند. در نتیجه، اعطای حقوق توده های پایین تر مردم در بستری روی داد که در آن طبقه پایین اجتماع، مواجه کمی با رقابت انتخاباتی، سازماندهی سیاسی و آداب سیاسی دولت مستعمراتی داشتند.

همانطور که ذکر شد، طبقه پایین اجتماع به یک فرهنگ سیاسی متعهد شد که نظم اجتماعی موجود و مشروعیت دولت را به چالش کشید. از آنجاییکه رهبران کاریزماتیک به قانون، سنت یا سابقه مقید نیستند، عموماً آشکارترین انحراف را از نظم اجتماعی موجود نشان میدهند (و بر [۱۹۲۲] ۱۹۸۷ را ملاحظه نمایید). بنابراین رهبری کاریزماتیک، ناپیوستگی دولت و هم چنین حمایت از رهبری کاریزماتیک را نشان میدهد که میتوان گفت نارضایتی از دولت را نشان میدهد. مطابقاً، من ادعا میکنم طبقه پایین اجتماع، که اکثریت جمعیت را نشان میدهند، با فرض بی اعتمادی شان به دولت، مستعد حمایت از رهبر کاریزماتیک بودند. در نتیجه، در طول نخستین انتخابات عمومی دارای حق رای عمومی سال ۱۹۴۴، طبقه پایین اجتماع از حزب سیاسی پیشرو، حمایت نمودند که به جاذبه کاریزماتیک (JLP) متکی بود که بر خلاف حزب پیشرو میباشد که یک پایگاه بیشتر مبتنی بر اختیار خردگرایی-قانونی (PNP) را پذیرفت. در طول این مبارزه انتخاباتی، JLP یک پایگاه سیاست را ارائه نکرد هم چنین در مذاکرات سیاست مشارکت نکرد، در حالیکه PNP یک برنامه جامع را منتشر ساخت که شامل موارد ذیل میشود:

قانون دستمزد، دادگاه های صنعتی، پاداش کارگران، برنامه ریزی اقتصادی، یک بانک دولتی برای سرمایه گذاری، توزیع مجدد مالیات، توافق نامه های مالکیت زمین از طریق مالکیت روستایی، تحقیقات کشاورزی مشترک جمعی، سازمانهای بازاریابی و اعتبار، توسعه صنعتی دولت، تخلیه نواحی فقیرنشین، احیای باتلاق، توسعه منابع آبی برای نیرو و آبیاری، ملی سازی خدمات عمومی مثل آب و ... و حق انحصاری یارانه ای صنایع، حقوق بازنشستگی سالمندان، خدمات پزشکی بهتر، اصلاحات اجاره داری، کمک به بیکاری، گروهی از اصلاحات آموزشی، حق رای برای همه و حکومت به دست مردم از طریق وضعیت حکومت.

در عین حال، این دقیقاً جذبه کاریزماتیک ی الکساندر باستانت (رهبر JIP) بود که وضعیت افسانه ای اش، تصور ضد استقرارش، پیروی احساساتی اش بین توده های پایین تر مردم (سرودهای "ما از باستانت تا دم مرگ پیروی خواهیم کرد) است که با طبقه پایین تر اجتماع تشدید شد، بسیار بیشتر از رویکرد خردگرایی- قانونی نورمن ماندلی (رهبر PNP) میباشد.

مدیریت خردگرایی- قانونی دولت به نخستین چالش مهم برای رژیم JLP تبدیل شد. همانطور که ذکر شد، دولتهای مبتنی بر اعمال قدرت برای جذابیت، عموماً به طور استبدادی، خارج از محدودیتهای قانون، سنت یا سابقه حکمرانی میشوند. در عین حال در زمینه مشروطیت نوین و ساختار مستعمراتی، حاکمیت استبدادی دارای چنین ماهیتی، یک انتخاب نبود. در نتیجه، دولت JLP باید دستخوش یک فرایند عادی سازی قرار میگرفت که مستلزم انطباق اختیار کاریزماتیک با ساختارهای عادی و مدیریت روز به روز دولت بود. این کار موجب بی حرمتی قانون از سوی دولت JLP شد که با مشارکت در اقدامات خشونت آمیز علیه نافرمانی (PNP/ TUC) و با دادن پاداش به حامیان دارای حمایت سیاسی صورت گرفت. این سوء استفاده ها از قدرت دولت با تصور ضد استقرار از سوی باستانت و JLP در طول مبارزه انتخاباتی توصیف شد و در نتیجه تاثیر منفی بر محبوبیت JLP بین طبقه پایین اجتماع داشت. در واقع، خشونت و حمایت سیاسی، به عنوان استراتژی های موفقیت آمیزی در حفظ حمایت جمعی اثبات شد و به گونه ای که به ویژگی های اصلی مدیریت JLP تبدیل شد.

درخواستها توسط PNP به اولیای امور مستعمراتی (که در آن زمان مسئول اعمال قانون بودند) برای پایان دادن به سوء استفاده ها از قدرت دولت و فعالیتهای غیر قانونی JLP مفید نبود. به این ترتیب، مقامات مستعمراتی، به طور ضمنی از JLP حمایت کردند، ابتدا با نادیده گرفتن خشونت چریکی آغاز شده JLP و غصب بودجه های دولتی این کار انجام شد. آنگاه مدیریت مستعمراتی، شریک جرم خشونت سیاسی صورت گرفته از سوی JLP از طریق سیاست غیر مداخله ای اش بود. با این حال، حمایت مدیریت مستعمراتی برای JLP، منفعل باقی می ماند (یعنی خود را با سکون آشکار ساخت) و با تمایز فعال علیه PNP سر و کار نداشت، همانند مورد حزب پیشرو مردم در گایانا، که در آنجا برگزاری جلسات سیاسی برای رهبران گایانا ممنوع بود و بر اساس وابستگی سیاسی شان زندانی میشدند، در حالیکه مشروطیت به حالت تعلیق در آمد و بعداً به نفع حزب مخالف تغییر پیدا کرد. در

این مفهوم، گرچه مقامات مستعمراتی برای سرکوبی خشونت چریکی اقدامی نکردند (حداقل در ابتدا)، اما خشونت را هم آغاز نکردند.

PNP تصمیم گرفت به جای کشتار ده یک کشی ظاهری در دستان خشونت چریکی آغاز شده JLP از استراتژی JLP تقلید کند. PNP مهاجم متعصب سیاسی خود را برای مقابله با نیروهای خیابانی JLP فراخواند تا بقای این حزب را تضمین کرده و جلسات عمومی را بدون وقفه برگزار نماید ("گروه ۶۹: ما همگی افراد جوانی بودیم،" ۱۹۷۸، ۲ آوریل، صفحه ۱۰؛ "گره پیشتاز امنیت از حمله را ارائه کردند" ۱۹۷۸، ۲ آوریل، صفحه ۱۰؛ سیوز، ۲۰۱۰). زمانیکه این کار موفقیت آمیز اثبات شد، PNP شروع کرد به دورتر شدن از یک رویکرد خردگرای-قانونی به سوی یک رویکرد کاریزماتیک تر تا حمایت انتخاباتی خود را توسعه بخشد. با شروع در اواخر دهه ۱۹۴۰، هم رهبری این حزب و هم اتحاد آن، کاریزماتیک تر و استبدادی تر شد. در نظر عموم، مانلی به یک شخصیت کاریزماتیک تبدیل شد که ابعاد قهرمانانه به خود گرفت. در طول مبارزه انتخابات عمومی ۱۹۵۴/۱۹۵۵، در حالیکه سیاستهای سوسیالیستی تر آن از بین میرفتند، PNP مزایای مادی نوید بخش خود را برای حامیان آغاز کرد، بویژه برای فقرا و افراد بیکار. این استراتژی ها، پیامدهای مد نظر خود را بدست آوردند که به حمایت مضاعف طبقه پایین اجتماع برای PNP منجر میشود که در پیروزی انتخاباتی حزب در سال ۱۹۵۵ به اوج خود رسید.

نیل به سوی جاذبه کاریزماتیک و تاکتیکهای سیاسی متناظر آن، با پیامدهایی برای PNP همراه شد. PNP زمانی که دارای اختیارات بود، با پیروی از مدل ایجاد شده توسط JLP (بر مبنای اختیار کاریزماتیک عادی) با اختلاس در بودجه های دولتی برای دادن پاداش به اعضای پروژه های مهاجم متعصب و سایر حامیان طبقه پایین اجتماع با سطوح پیش بینی نشده حمایت سیاسی حکومت میکرد. این خشونت سیاسی نهادینه شده و حامی پروری در جامائیکا، محیط سیاسی را خلق میکند که به موجب آن تداوم حیات احزاب سیاسی به توانایی شان برای بکارگیری حامیانی وابسته بود که تمایل به شرکت در خشونت داشتند، که در عوض با سهمی از مساعدت دولت در زمانیکه حزبشان بر سر قدرت بود، جبران میشد. همانطور که تاریخچه اخیر جامائیکا نشان میدهد، شکستن این چرخه، کار دشواری است و به این ترتیب نهادینه سازی خشونت سیاسی و سیاست چریکی، این جزیره را در مسیری نشانده که به زوال قانون مداری پسا استقلال توصیف شده در ادبیات منجر گشت.

با بازگشت به شکل ۱، دو نقطه برجسته آشکار در خشونت پسا استقلال جامائیکا وجود دارد همانطور که با آمار قتل نشان داده شده است. مورد اول در افزایش خشونتی است که در سال ۱۹۸۰ روی داد و دومی، یک افزایش تدریجی استوارتر و در عین حال قابل ملاحظه در طول دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بود. این صعودهای ناگهانی در خشونت میتواند به نهادینه سازی خشونت سیاسی و سیاست چریکی در اواخر دوره مستعمراتی برگردد. در کل دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نرخ قتل به تدریج افزایش یافت همانطور که بطریقه ها و سنگها به جای تفنگ به عنوان سلاح انتخاب شده بین گروه های قدر چریکی مشغول در خشونت سیاسی مبادله میشد. این روند در طول انتخابات عمومی سال ۱۹۸۰ به اوج خود رسید، در آنجا تخمین زده شد خشونت به عنوان نتیجه مبارزه انتخاباتی، بیشترین دلیل ۸۸۹ قتل در آن سال بوده است، این رقم برای یک کشور دارای یک جمعیت کل تقریباً ۲,۰۰۰,۰۰۰ نفری در آن زمان، یک تعداد قابل توجه بود. گرچه ادبیات عوامل دخیل دیگری را شناسایی میکنند (آیریش-برامبل، ۲۰۱۰؛ سیوز، ۲۰۱۰) را ملاحظه نمایید، افزایش خشونت در طول مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۸۰، یک استمرار آشکار الگوی خشونت است که در طول اواخر دوره مستعمراتی پدید آمده بود که در آنجا گروه های قدر چریکی، نزاعهای خیابانی خشونت آمیزی در خیابانها داشتند، که شدت چنین نزاعهایی اغلب در طول مبارزه های انتخاباتی افزایش می یافت.

پس از سال ۱۹۸۰، نرخ قتل در طول دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ متحمل افزایش معناداری شد. این رویداد تا حد زیادی حاصل تحکیم تجارت مواد مخدر در جوامع نظامی شد که بلافاصله پس از استقلال تاسیس شدند، که به صورت یک استمرار مستقیم فرایندهای سیاست پشتیبانی و خشونت سیاسی پدید آمدند که در طول اواخر دوره استعماری توسعه پیدا کرد. با شروع در دهه ۱۹۸۰، "خبره های مواد مخدر" در این جوامع نظامی به قدرمردان جدید تبدیل شدند، با جدالهای گروهی و جنگهای قلمروئی به افزایش در خشونت گروهی منجر شد که افزایش در نرخهای قتل در طول دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ را موجب شد. بنابراین، گرچه خشونت سیاسی و سیاست حمایت ممکن است دیگر منبع مستقیم مهم خشونت در جامائیکای امروز نباشد، اما نهادینه سازی آنها در طول اواخر دوره مستعمراتی است که به خلق جوامع نظامی منجر شد، سپس ایجاد جرم سازمان یافته پیرامون معامله مواد مخدر و سنگربندی خشونت گروهی را تسهیل نمود.

ب) باربادوس

در باربادوس، تحول به سوی حق رای عمومی، نسبت به جامائیکا، تدریجی تر بود. در سال ۱۹۴۳، اصلاحات حق رای، حق رای عمومی افراد بالغ را تصدیق نکرد که جنبش پیشرو برای آن اعمال نفوذ میکرد، اما محدودیتهای حق رای به مجلس درجه دوم قانونگذاری را با کاهش صلاحیت درامدی و با دادن حق رای به زنان کاهش داد که رای دهندگان را سه برابر کرد. حق رای عمومی تا سال ۱۹۵۱ تایید نشد. در طول این دوره گسترده اما محدود بود که حق رای رقابتی پرشور (یعنی از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۱) بین دو دسته جنبش پیشرو آغاز شد. در نتیجه، پیش از کسب رای، طبقه پایین تر اجتماع با سازماندهی سیاسی و رقابت انتخاباتی آشنایی داشتند که نتیجه آن از سوی یک طبقه متوسط اجتماع دارای حق رای، تصمیم گیری میشد که با نهادها و سنتهای سیاسی برجسته آشناتر بودند. از آنجاییکه طبقه پایین اجتماع به فرهنگ سیاسی غالب صحنه گذاشتند که مشروعیت دولت را به رسمیت میشناخت، من اثبات میکنم این طبقه در صدد جدایی از ساختار موجود اقتدار دولت نبود. بلکه اعضای آن در جستجوی مشمولیت در نهادهای سیاسی موجود بودند و به این ترتیب مستعد حمایت از یک رهبر کاریزماتیک نبودند که قوانین دموکراتیک را به سخره میگرفت. این درجه بالاتری از پذیرش اقتدار دولتی در بین طبقه پایین اجتماع است که به فقدان افزایش تدریجی خشونت سیاسی در طول تحول به سوی حق رای عمومی منجر شد.

پس از اینکه دو دسته از جنبش پیشرو منشعب شدند و گروهکهای حزب-اتحاد رقابت کننده شکل گرفت (BLP/BWU و حزب کنگره/ اتحاد کنگره)، تا اواسط دهه ۱۹۴۰، موقعیت برای خشونت سیاسی، مناسب بود. در حقیقت، موارد جزئی وقوع خشونت سیاسی به شکل پرت کردن بطری و سنگ برای منقطع نمودن جلسات عمومی پدید نیامد. علی رغم این مساله، جدیت خشونت از این سطح فراتر نرفت. اثبات میکنم عدم موفقیت افزایش خشونت چریکی، نتیجه سوگیری خردگرای-قانونی تر (که بر خلاف یک سوگیری کاریزماتیک تر است) رهبری هر دو دسته جنبش پیشرو بود که نهایتاً یک کارکرد فرهنگ سیاسی هم طبقه متوسط و هم طبقه پایین اجتماع میباشد. هم گرانتلی آدامز (رهبر BLP/BWU) و هم وینتر کرافورد (رهبر حزب کنگره/ اتحاد کنگره) به جاذبه عقلی برای جذب حمایت انتخاباتی از سوی طبقه متوسط دارای حق رای اجتماع متکی بودند در حالیکه به طور همزمان برای جذب حسن نیت و حمایت طبقه پایین اجتماع تلاش میکردند، با فرض اینکه انتظار میرفت حق رای عمومی، حتمی باشد.

برخلاف باستانمانت در جامائیکا، هیچ رهبری از پایگاه های عمومی برای حامیان کار به یک شیدایی حاد احساسی استفاده نکرد، با ارتقا قطبش شدید بین این دو حزب پیشرو و بعد به طور ضمنی (یا در پاره ای از موارد با فرمان صریح) چشم پوشی کرد که باید خشونت علیه حامیان و رهبران حزب مخالف بکار رود. جدای از به هم زدن های این به آن در جلسات عمومی، هم آدامز و هم کرافورد از استفاده از خشونت میان فردی به عنوان یک تاکتیک سیاسی اجتناب ورزیدند. آدامز، از سال ۱۹۳۴ یک وکیل آموزش دیده محترم آکسفورد و عضو مجلس درجه دوم قانونگذاری، نه تنها برای کار در دولت مستعمراتی و نهادهای قانونی آن احترام قائل بود بلکه کاملا در آن زبردست بود. در نتیجه، از تاکتیکهای ماوراء قانونی (من جمله خشونت چریکی) تا هیچ درجه قابل توجهی استفاده نکرد. به علاوه، با فرض فرهنگ سیاسی، آدامز احتمالا آگاه بود مشارکت در چنین تاکتیکهایی ممکن است حمایت عمومی را دچار فرسایش نماید. آدامز حتی استفاده از خشونت در طول شورش نیروی کارگری سال ۱۹۳۷ را محکوم کرد، ابراز تاسف کرد " دلیل مستمر این مساله به نظر میرسید در پایابهای ناراضیتی و خشونت دست و پا بزند. باربادوس، جزیره ای است که از دیر باز برای ماهیت مطیع قانون بودن خود شناخته شده است، که در انفجاری گسترده شد.

کرافورد و حزب کنگره هم به جاذبه خردگرایی- قانونی متکی بودند- بیانیه حزبش در سال ۱۹۴۴ به انتشار رسید که یک جایگاه خردگرایی جامع گرا را خلاصه میکند. با این وجود، عداوت شخصی او نسبت آدامز، کرافورد زمان چندانی را به طور آشکار برای حمله به آدامز اختصاص نداد اما در مراقب باربادوس، بیشتر انرژی خود را صرف مخالفت با طبقه صاحبان مزرعه، کلیسای انگلیس و سیاستهای مختلف مدیریت مستعمراتی از طریق دستورات عمومی در مجلس قانونگذاری درجه دوم و کرد. گرچه کرافورد از دیدگاه هایی حمایت کرد که ساختارهای استیلا را به چالش کشید (و به گونه ای که میتواند به صورت اساسی و تاحدی ضد استقرار تلقی شود)، او با پیروی از قواعد دموکراتیک بازی برای دولت احترام قائل شد، میخواست به طور عادلانه و دموکراتیک به دولت نشان دهد در نهادهای خود کار کند تا بر روی تغییر اثر بگذارد. برای کرافورد، جنبش پیشرو، بر روی رقابت با آدامز برتری یافت، که با عدم پذیرش او برای کار با انجمن رای دهندگان محافظه کار و تمایلش به تشکیل ائتلاف با BLP در سال ۱۹۴۶ نشان داده شد. بنابراین، کرافورد سعی نکرد قطبی سازی بین دو حزب

پیشرو را ارتقا بخشد، هم چنین استفاده از خشونت میان فردی را به صورت یک استراتژی سیاسی در نظر نگرفت.

گرچه رویکرد خردگرای- قانونی تر و کمتر کاریزماتیک رهبران حزب، یک عامل حیاتی در پیشگیری از افزایش خشونت سیاسی بود، این فرهنگ سیاسی بود که در نهایت این پیامد را مشخص کرد. این مساله به سادگی یک رویداد تاریخی نبود که رهبری دو دسته جنبش پیشرو، در سوگیری خردگرای- قانونی تر بود. بلکه آنها رهبران جنبش را به طور دقیق برگزیدند زیرا یک رویکرد کمتر کاریزماتیک را دنبال می نمودند. یعنی، محبوبیت شان، حاصل فرهنگ سیاسی غالبی بود که مشروعیت دولت مشترک هم طبقات متوسط و هم طبقات پایین اجتماع را به رسمیت می شناخت. مطابقاً، من ادعا می کنم این فرهنگ سیاسی، شرایط ساختاری را به گونه ای ارائه نموده است که دارای یک شکل کاریزماتیک مانند باستانات است که بر روی صحنه سیاسی باربادوسی ظاهر شد، به احتمال زیاد او از پیروی قابل توجهی برخوردار نبوده است. در حقیقت، در جلسات عمومی در باربادوس، نمونه هایی وجود داشت، زمانیکه مخاطبین کاندیداها را توبیخ می کردند به نظرشان با حملات خود پا را بسیار فراتر گذاشته بودند، مبنی بر اینکه آنها نیامده بودند بشنوند به مردم بهتان زده شود یا دولت بد نام شود. بنابراین زمانیکه حق رای عمومی در سال ۱۹۵۱ پذیرفته شد، درونی سازی فرهنگ سیاسی غالب - بویژه پذیرش مشروعیت دولت- در بین طبقه پایین اجتماع بود که آنها را به حمایت عظیم یکی از دو رهبر سیاسی پیشرو مشخص کشاند. این واقعیت که هر دو حزب پیشرو، در رویکرد خود خردگرای- قانونی تر بودند، مانع افزایش خشونت سیاسی شد (و به موجب آن نهادینه سازی سیاست پشتیبانی)، فقدان آنچه نتوانست این جزیره را به خط سیری شبیه به خط سیر جامائیکا بفرست در حالیکه هم چنین شالوده برای قانون مداری قوی پسا استقلال را فراهم میکرد. طبق گفته بخش دولتی ایالات متحده (۲۰۱۱) "باربادوس از زمان آشوبهای دهه ۱۹۳۰ دیگر خشونت سیاسی را تجربه نکرده است".

۵. نتیجه گیری

به منظور خلاصه سازی تفاوتها در طول سه بعد اصلی (همبستگی نژاد- طبقه، سوگیری مذهبی طبقه پایین اجتماع به سمت نظم برقرار شده و شرایط ساختاری که خودمختاری فرهنگی و توسعه فرهنگ نافرمانی را بین طبقه پایین اجتماع تسهیل نمود) بین این دو جزیره تا اواخر دوره مستعمراتی توسعه یافته بود که بر نگرشهای

طبقه پایین اجتماع نسبت به مشروعیت دولت تاثیر داشت. در باربادوس، طبقه پایین اجتماع دارای یک درجه بیشتر پذیرش مشروعیت اقتدار دولتی بود، در حالیکه در جامائیکا اقتدار دولت، ضعیف تر بود. این تفاوت‌های بین دو مستعمره بود که به عنوان عامل حیاتی اثبات شد که با ترتیب رویدادها در طول تحول به حق رای عمومی ترکیب شد تا مشخص کند آیا خشونت چریکی و حمایت سیاسی نهادینه شده اند یا خیر. بود و نبود چنین شرایطی در طول اواخر دوره مستعمراتی سبب واگرایی در خط سیرهای قانون مداری بین دو جزیره شد، که بر قانون مداری پسا استقلال تاثیر داشت. در جامائیکا، خشونت سیاسی و سیاست حمایت، نهادینه شد که به زوال قانون مداری پس از استقلال منجر گشت (یعنی سطح بالایی از خشونت). در باربادوس، طبقه پایین اجتماع به طور وسیعی، مشروعیت دولت را پذیرفت که مانع افزایش و نهادینه سازی خشونت سیاسی و حمایت شد، به موجب آن قانون مداری پسا استقلال را تقویت کرد و در سطح پایین خشونت آن به لحاظ قیاسی هم بخشی داشت.

از اینرو، این تحلیل مشروعیت دولت را به عنوان یک عامل تعیین کننده اصلی قانون مداری شناسایی میکند و در انجام این کار یک هم بخشی قابل توجه را در ادبیات دارد. همانطور که ذکر شد، تاکید کنونی کمک به توسعه قانون مداری، از بالا به پایین و با مرکزیت دولت است - یعنی در اصل به تبدیل موسسات دولتی و قانونی مربوط است. تحقیقات من دور شدن از این شیوه است با پیشنهاد اینکه تقویت نهادهای دولتی و قانونی به تنهایی یک شرط کافی برای تقویت قانون مداری نیست، گرچه این نهادها مطمئناً حائز اهمیت هستند، اما قانون مداری هم چنین با فرهنگ سیاسی مشخص میشود، بویژه گرایشات رایج نسبت به مشروعیت دولت. به طور کوتاه، تحقیقات من حاکی از این است قانون مداری نه تنها به مشخصات دولت بلکه به مشخصات جامعه وابسته است.

تحقیقات هم چنین حاکی از این است تاریخ اهمیت دارد. برای شناخت تعیین کننده های قانون مداری، نباید فقط ویژگی های دولت و ساختار قانونی آن را در حال حاضر بررسی نمود، بلکه باید بستر تاریخی، به طور خاص گرایشات در فرهنگ سیاسی در طول دوره های تاریخی بحرانی را مد نظر قرار داد. این یافته ها در این بحث هم بخشی دارد که تحول به استقلال یک دوره بحرانی بالقوه برای تبدیل دولت است که به طور ویژه تحول به حق رای عمومی را به گونه ای شناسایی میکند که دارای پتانسیل تاثیر گذاری قوی بر قانون مداری برای دهه های پس از آن است. در عین حال، تحلیل قیاسی در مورد اینکه آیا - جدای از اعطای حق رای عمومی - خود فرایند

استقلال دارای نقش قطعی در تاثیر گذاری بر قانون مداری است، واضح نیست. تنها تحقیقات قیاسی بین ملیتی بیشتر سبب خواهد شد بتوان تاثیرات مستقل تحول به استقلال را از تحول به حق رای عمومی تشخیص داد تا بتوان مشخص کرد کدامیک در رابطه با قانون مداری مهم ترین مورد محسوب میشود.

ملاحظات

۱. قانون مداری به عنوان یک مفهوم به شدت مورد بحث باقی می ماند. برای بحث کامل آثار کاستا، زولو و سانتورو (۲۰۰۷) و تاماناها (۲۰۰۴) را ملاحظه نمایید.
۲. هاگارد و تید (۲۰۱۱) یک مولفه چهارم - ارتشاء - را شامل میکنند، با فرض اینکه تعریف بکار گرفته شده من از قانون مداری، محدودیتهای قانونی تحت تسلطی را شامل میکنم که قدرت سیاسی را محدود میکند.
۳. در کل این مقاله، مشروعیت دولت به صورت پذیرش دولت و قانون حاکم خود به صورت یک منبع موثق تعریف میشود؛ یعنی پذیرش حق دولت برای حکومت کردن.
۴. نرخهای قتل، قابل اعتمادترین سنجش جنایت خشونت آمیز قلمداد میشود زیرا به احتمال زیاد این جرم به پلیس گزارش میشود. به علاوه، نرخهای قتل، قابل اعتماد ترین سنجش قیاسی خشونت هستند زیرا تغییرات بین ملیتی بسیار کمتری در تعریف قتل نسبت به سایر جنایتهای خشونت آمیز است.
۵. آمار در مورد تعداد پرونده های دادگاهی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در سال ۱۹۵۵ (۷۶ پرونده / ۱۰۰۰ نفر جمعیت در جامائیکا؛ ۴۰ پرونده / ۱۰۰۰ نفر در باربادوس) حاکی از این است که میزان نفوذ اجتماعی نظام قضایی در جامائیکا حداقل به اندازه باربادوس قوی است اگر قویتر از آن نباشد. هم چنین، آمار در مورد تعداد افسران پلیس به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۳ (۲,۴ پلیس / ۱۰۰۰ نفر در جامائیکا؛ ۳,۶ پلیس / ۱۰۰۰ نفر در باربادوس) حاکی از این است که هر دو کشور دارای نسبتهای مشابه قیاسی افسران پلیس هستند (این طیف برای کشورهای دارای داده های در دسترس در سال ۱۹۷۳ بین ۰,۱ تا ۱۳,۲ پلیس / ۱۰۰۰ نفر است) UNODC, ۲۰۱۱؛ منبع داده های جمعی بانک جهانی، (۲۰۱۱ ب). در نهایت، هر دو کشور تقریباً سطوح مشابهی از اعمال قرارداد را در سال ۱۹۶۶ داشتند، که در دو کشور بر روی شاخص پول متمرکز بر قرارداد، امتیاز ۰,۸۷ را بدست آوردند (کلاگ، کیفر، ناک و آلسون، ۱۹۹۹؛ صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۹).

۶. تحقیقات شامل یک نقد و بررسی دقیق آثار ثانویه میشود من جمله منابع تاریخی نادر موجود در دانشگاه کتابخانه های هند غربی (پردیس کیو هیل در باربادوس و پردیس مونا در جامائیکا). هم چنین تحقیقات شامل تحقیقات بایگانی منابع اولیه میشود. من اسناد مستعمراتی، مکاتبات، اسناد دولتی، بایگانی های اتحاد، روزنامه ها و سایر اسناد تاریخی را در دانشگاه هند غربی (پردیسهای باربادوس و جامائیکا)، بخش بایگانی های باربادوس، موزه باربادوس، مجمع تاریخ، کتابخانه ملی جامائیکا و اداره بایگانی های جامائیکا بررسی کردم.

۷. در طول دوره ۳۹-۱۹۳۴، هم جامائیکا (۱۹۳۸) و هم باربادوس (۱۹۳۷)، در کنار سایر مستعمرات در کل هند غربی بریتانیا، شورشهای مهم کارگری را تجربه کردند که شروع اواخر دوره مستعمراتی را مشخص میکند. این قیامهای کارگری، کمیسیون موین را مورد هدف قرار داد که در بین سایر تغییرات، قانونمند سازی و حفاظت قانونی اتحادیه های تجاری و نیل به سوی حق رای عمومی را برای دولتهای محلی و مرکزی در هر مستعمره توصیه میکرد.

۸. پیرو یک رویکرد مارکسی، طبقه به صورت گروهی تعریف میشود که دارای یک رابطه مشترک برای ابزار تولید هستند. در نتیجه، با توجه به جامائیکا و باربادوس، از نظر تاریخی طبقه بالای اجتماع از مالکان و مدیران ابزار تولید تشکیل میشدند، طبقه متوسط اجتماع از کارشناسان تحصیل کرده تشکیل میشدند، در حالیکه طبقه پایین اجتماع هم از طبقه در حال کار (کارگران و رعایا) و هم افراد بیکار تشکیل میشد.

۹. در جامائیکا و باربادوس، عبارت "سرخ پوست" به نژاد آفریقایی-اروپایی اشاره میکند- که با گروه بسیار کوچکتري از هندیهای کارائیبی (آنهايي که از نژاد هندی بودند) در هر دو کشور اشتباه گرفته نشوند. در جامائیکا، گرچه جمعیت هندیهای کارائیبی (که ۱,۷٪ جمعیت را در سال ۱۹۶۰ تشکیل میدهد)، چینی های کارائیبی (۰,۶٪) و خاورمیانه- کارائیبی (۰,۱٪) تا حدی منصبهای منحصر به فرد را در سلسله مراتب طبقه- نژاد اشغال میکردند، تعداد شان نسبتا کوچک بود و به این ترتیب این سلسله مراتب در اصل پیرامون جمعیت آفریقایی- کارائیبی (۷۶,۸٪) و آفریقایی-اروپایی (۱۴,۶٪) بود.

۱۰. فرهنگ سیاسی در اینجا به صورت مجموعه مشترکی از عقاید، باورها و هنجارها تعریف میشود که به سیاست نظم و معنا می بخشد و بر ادراک مشروعیت دولتی اثر میگذارد.

۱۱. شلر اثبات میکند تشکیل یک جماعت رعیتی بدون ملک سیار در بین جمعیت بردگان سابق، مبنای یک فرهنگ نافرمانی را در جامائیکا تشکیل داد. او ادعا میکند پس از آزادی طبقه کارگری سیاه پوست "به سمت دنیایی از معاش رعیتی و ارزشهای محافظه کارانه عقب نشینی نمود. انرژی های جمعی خود را به سوی تغییر ساختارهای غالب سوق دادند، هر جایی که میتوانستند... [او یک] فرهنگ سیاسی (و مفهوم هم آژانس اقتصادی و هم سیاسی) به سرعت تشکیل شد، که سنتهای اعتراض جوامع برده داری را با اعمال آزادی های جدید ترکیب مینمود." او تایید کرد در باربادوس "توسعه روستایی مستقل مورد ممانعت قرار گرفت"، که مانع تشکیل یک فرهنگ نافرمانی شد.

۱۲. جامائیکا در سال ۱۸۶۶ به یک مستعمره ممالک مشترک المنافع انگلیس تبدیل شد. حکومت مستعمره ممالک مشترک المنافع انگلیس شامل اداره کردن مستعمره از طریق شورای قانونگذاری است که از حاکم، منصبهای به اعتبار و سمت از سوی اداره کل مستعمراتی و اعضای معرفی شده توسط حاکم میباشد. در سال ۱۸۸۴، پس از فشار از سوی ساکنینی که درخواست مشارکت محلی بیشتر در دولت را داشتند، جامائیکا به یک مستعمره ممالک مشترک المنافع انگلیس "تاحدی نمایانگر" تبدیل شد. یعنی اعضای اضافی بر اساس یک حق انتخاب محدود انتخاب شدند که به شورای قانونگذاری متصل بود که تعدادشان در سال ۱۸۹۵ افزایش می یابد. در نتیجه، اعضای ممالک طبقات بالا و متوسط اجتماع توانستند به طور دموکراتیک در شورای قانونگذاری مشارکت نمایند. در عین حال، تا سال ۱۹۴۴، جامائیکا به صورت یک مستعمره ممالک مشترک المنافع انگلیس به طور غیر رسمی باقی ماند، زیرا تعداد اعضای معرفی شده و به اعتبار سمت و مقام همیشه از اعضای منتخب فراتر میرفت.

۱۳. JLP ۴۱٪ آراء عمومی را دریافت نمود در مقایسه با PNP که ۲۳٫۵٪ را دریافت کرد. اینطور قلمداد میشد که باستانمانت با حمایت طبقه متوسط اجتماع بیگانه شده است، با فرض بکارگیری تقسیمات طبقه- نژاد در طول این ستاد با بیانیه هایی که دال بر این است که یک پیروزی PNP منجر به بردگی تحت سلطه سرخ پوست (یعنی طبقه متوسط اجتماع) میشود. به علاوه، برآورد میشود حمایت PNP به طور نامناسبی از طبقه متوسط اجتماع آمده باشد، زیرا سیاستهای حکومت به دست مردم و جامع گرایی آن به طور وسیعی بین طبقه پایین اجتماع، محبوب اثبات نشد.

۱۴. گرچه باستامانت یک تصور ضد استقرار را ترویج داد، میزانی که او واقعا ضد استقرار بود، مساله دیگری است.

۱۵. PNP، ۵۰,۵٪ آراء عمومی را در سال ۱۹۵۵ دریافت کرد، که با ۲۳,۵٪ آرا در سال ۱۹۴۴ مقایسه شد.

۱۶. قصد من در اینجا، یک گزارش کامل از کل عوامل دخیلی است که به افزایشها در خشونت در کل دوره پسا استقلال منجر میشود، اما نشان میدهد نقطه برجسته خشونت در انتخابات سال ۱۹۸۰ و افزایش متعاقب آن در کل دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ یک استمرار روندهایی است که در طول اواخر دوره مستعمراتی نشات میگیرد.

۱۷. جوامع نظامی ضعیف هستند و جوامعی شهری، محل بیشتر خشونتهای سیاسی هستند، تا دهه ۱۹۸۰، قدر مردان وابسته به حزب (متصل به حزب JLP یا PNP) از اختیار قابل توجهی برخوردار بودند، ساکنین را در گروه های قدر چریکی بکار میگرفتند و سلاح ها را منتشر میساختند. در عوض برای حمایت چریکی ثابت قدم، این جوامع از حمایت سیاسی "همگانی" بهره میبردند (همانند پروژه های عمومی بی اجاره، آب و یا برق رایگان، یا قراردادهای کاری دولتی) زمانیکه حزبشان در قدرت بود.

۱۸. این بدین معنی نیست که جذابیت برای رهبران باربادوسی که دارای یک سوگیری خردگرایی - قانونی تر بوده اند، یک دارایی سیاسی مهم نبوده است.

REFERENCES

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369–1401.
- Alesina, A., Baqir, R., & Easterly, W. (1999). Public goods and ethnic divisions. *The Quarterly Journal of Economics*, 114, 1243–1289.
- Allahar, A. (2001). Charisma and populism: Theoretical reflections on leadership and legitimacy. In A. Allahar (Ed.), *Caribbean charisma: Reflections on leadership, legitimacy and populist politics* (pp. 1–32). Boulder: Lynne Rienner.
- Babones, S. J. (2008). *Standardized income distribution database: SIDD-3*. <<http://www-personal.arts.usyd.edu.au/sbabones/sidd.html>> Retrieved September 12, 2008.
- Bates, R. H. (2008). *When things fell apart: State failure in late-century Africa*. New York: Cambridge University Press.
- Bates, R. H. (2010). *Prosperity and violence: The political economy of development* (2nd ed.). New York: W.W. Norton & Co.
- Beckles, H. (2004). *Great house rules: Landless emancipation and workers' protest in Barbados, 1838–1938*. Kingston; Miami; Oxford: I. Randle; J. Curry.
- Beckles, H. (2007). *A history of Barbados: From Amerindian settlement to nation-state* (2nd ed.). Cambridge; New York: Cambridge University Press.
- Blue Book – Barbados. (1875, 1885, 1896, 1906, 1910, 1915, 1920, 1925, 1930, 1935, 1938, 1945, 1947). *Blue book for the colony of Barbados*. Bridgetown: Government Printers.
- Blue Book – Jamaica. (1879, 1885, 1896, 1906, 1915, 1920, 1925, 1930, 1935, 1938, 1945). *Blue book for the island of Jamaica*. Kingston: Government Printing Office.
- Blunders, Struggles and Regrets. (1971, January 31). *The Barbados advocate*.
- Bolland, O. N. (1995). *On the march: Labour rebellions in the British Caribbean, 1934–39*. Kingston, Jamaica: Ian Randle Publishers.
- Bolland, O. N. (2001). *The politics of labour in the British Caribbean: The social origins of authoritarianism and democracy in the labour movement*. Princeton, NJ: Markus Wiener Publishers.
- Bradley, C. P. (1960). Mass parties in Jamaica: Structure and organization. *Social and Economic Studies*, 9(4), 375–416.
- Brautigam, D., Fjeldstad, O.-H., & Moore, M. (2008). *Taxation and state-building in developing countries: Capacity and consent*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, A. (1979). *Color, class, and politics in Jamaica*. New Brunswick, NJ: Transaction Books.
- Carothers, T. (2009). Rule of law temptations. *Foreign Affairs*, 33(1), 49–61.
- Central Intelligence Agency. (2011). *CIA world factbook*. <<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/index.html>> Retrieved June 16, 2011.
- Central Statistics Office. (1960). *Barbados: Population census 1960*. Trinidad and Tobago: Central Statistics Office.
- Chelala, C. A. (1997). *Violence in the Americas: The social pandemic of the 20th century*. Washington, DC: Pan American Health Organization.
- Clague, C., Keefer, P., Knack, S., & Olson, M. (1999). Contract-intensive money: Contract enforcement, property rights, and economic performance. *Journal of Economic Growth*, 4(2), 185–211.
- Clarke, C. (2006). Politics, violence and drugs in Kingston, Jamaica. *Bulletin of Latin American Research*, 25(3), 420–440.
- Costa, P., Zolo, D., & Santoro, E. (2007). *The rule of law: History, theory and criticism*. Dordrecht: Springer.
- Crawford, W., & Marshall, W. K. (2003). *I speak for the people: The memoirs of Wynter Crawford*. Kingston: Ian Randle.
- Dam, K. W. (2006). *The law-growth Nexus: The rule of law and economic development*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Davis, J. M. (1942). *The church in the new Jamaica*. New York, London: Department of Social and Economic Research, International Missionary Council.
- Davis, K. (1983). *Cross and crown in Barbados: Caribbean political religion in the late 19th century*. Frankfurt, Bern, New York: Peter Lang.
- Dawson, A. (2010). State capacity and the political economy of child mortality in developing countries revisited: From fiscal sociology towards the rule of law. *International Journal of Comparative Sociology*, 51(6), 403–422.
- Department of Statistics. (1960). *Census of Jamaica 1960: West Indies population census*. Kingston: Department of Statistics.
- Diamond, L. J. (2008). *The spirit of democracy: The struggle to build free societies throughout the world* (1st ed.). New York: Times Books/Henry Holt.
- Dick, D. (2009). *The cross and the machete: Native baptists of Jamaica – Identity, ministry and legacy*. Kingston: Ian Randle Publishers.
- Easterly, W., & Levine, R. (1997). Africa's growth tragedy: Policies and ethnic divisions. *The Quarterly Journal of Economics*, 112(4), 1203–1250.
- Eyre, L. A. (1984). Political violence and urban geography in Kingston, Jamaica. *American Geographical Society*, 74(1), 24–37.
- Figueroa, M., & Sives, A. (2002). Homogenous voting, electoral manipulation and the 'Garrison' process in post-independence Jamaica. *Commonwealth and Comparative Politics*, 40(1), 81–108.
- Fukuyama, F. (2011). *The origins of political order: From prehuman times to the French revolution*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Geddes, B. (1994). *Politician's dilemma: Building state capacity in Latin America*. Berkeley: University of California Press.
- Governor Bushe. (1942–1944). *Secret despatches to the secretary of state for the colonies, November 10 1942, March 11 1943, July 12 1943, August 12 1943, September 15 1943, October 13 1943, March 13 1944, June 12 1944*. Kingston, Jamaica: Sir Arthur Lewis Institute for Social and Economic Studies, the University of the West Indies.
- Great Britain. (1945). *West India royal commission 1938–39 recommendations*. Cmd. 6174. London: H.M.S.O.
- Group 69: 'We Were All Young Men'. (1978, April 2). *The daily gleaner*.
- Haggard, S., MacIntyre, A., & Tiede, L. (2008). The rule of law and economic development. *Annual Review of Political Science*, 11, 205–234.
- Haggard, S., & Tiede, L. (2011). The rule of law and economic growth: Where are we? *World Development*, 39(5), 673–685.
- Hall, J. A. (1994). *Coercion and consent: Studies on the modern state*. Cambridge, UK; Cambridge, MA: Polity Press.
- Handbook of Jamaica. (1925). *The handbook of Jamaica: Comprising historical, statistical and general information concerning the Island, compiled from official and other reliable records*. Kingston: Government Printing Office.
- Handbook of Jamaica. (1946). *The handbook of Jamaica: Comprising historical, statistical and general information concerning the Island, compiled from official and other reliable records*. Kingston: Government Printing Office.
- Handbook of Jamaica. (1955). *The handbook of Jamaica: Comprising historical, statistical and general information concerning the Island, compiled from official and other reliable records*. Kingston: Government Printing Office.
- Handbook of Jamaica. (1960). *The handbook of Jamaica: Comprising historical, statistical and general information concerning the island, compiled from official and other reliable records*. Kingston: Government Printing Office.
- Handbook of Jamaica. (1965). *The handbook of Jamaica: Comprising historical, statistical and general information concerning the island, compiled from official and other reliable records*. Kingston: Government Printing Office.
- Hart, R. (1958). *Memorandum, March 26 1958*. Kingston, Jamaica: Sir Arthur Lewis Institute for Social and Economic Studies, the University of the West Indies.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (1999). The quality of government. *Journal of Law, Economics and Organization*, 15(1), 222–279.
- Lacey, T. (1977). *Violence and politics in Jamaica, 1960–70: Internal security in a developing country*. Totowa, NJ: F. Cass.
- LaFree, G. (1999). A summary review of cross-national comparative studies of homicide. In M. D. Smith, & M. A. Zahn (Eds.), *Homicide: A sourcebook of social research* (pp. 125–145). London: Sage.
- Lake, D., & Baum, M. (2001). The invisible hand of democracy: Political control and the provision of public services. *Comparative Political Studies*, 34(6), 587–621.
- Lambert, D. (2005). *White Creole culture, politics, and identity during the age of abolition*. Cambridge; New York: Cambridge University Press.
- Lange, M. (2009a). Developmental crises: A comparative-historical analysis of state-building in colonial Botswana and Malaysia. *Journal of Commonwealth and Comparative Politics*, 47(1), 1–27.
- Lange, M. (2009b). *Lineages of despotism and development: British colonialism and state power*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mahoney, J. (2000). Strategies of causal inference in small-N analysis. *Sociological Methods and Research*, 28(4), 387–424.
- Mahoney, J. (2010). *Colonialism and postcolonial development: Spanish America in comparative perspective*. New York: Cambridge University Press.
- Manley, N. (1946). *Letter to the under-secretary of state for the colonies*. Spanish Town: Jamaica Archives, 4/60/2B/11.
- Mann, M. (1986). *The sources of social power: A history of power from the beginning to A.D. 1760* (Vol. 1). Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Miguel, E., & Gugerty, M. K. (2005). Ethnic diversity, social sanctions, and public goods in Kenya. *Journal of Public Economics*, 89, 2325–2368.
- Moore, M. (2004). Revenues, state formation, and the quality of governance in developing countries. *International Political Science Review*, 25(3), 297–319.
- Moore, B. L., & Johnson, M. A. (2004). *Neither led nor driven: Contesting British cultural imperialism in Jamaica, 1865–1920*. Kingston, Jamaica: University of the West Indies Press.
- Munroe, T. (1990). *Jamaican politics: A marxist perspective in transition*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
- Munroe, T., & Bertram, A. (2006). *Adult suffrage and political administrations in Jamaica 1944–2002: A compendium and commentary*. Kingston, Jamaica, Miami: Ian Randle.
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*. Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and social*

- Hart, R. (ca. 1960). *The situation in Jamaica*. Kingston, Jamaica: Sir Arthur Lewis Institute for Social and Economic Studies, the University of the West Indies.
- Henriques, F. (1957). *Jamaica: Land of wood and water*. London: MacGibbon & Kee.
- Heston, A., Summers, R., & Aten, B. (2011). Penn world table version 7.0. <<http://pwt.econ.upenn.edu/>> Retrieved June 15, 2011.
- Hobbes, T. ([1651] 1958). *Leviathan: Parts I and II*. New York: Macmillan Publishing Company.
- Holt, T. C. (1992). *The problem of freedom: Race, labor, and politics in Jamaica and Britain, 1832–1938*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- International Monetary Fund. (2009). *International financial statistics*. <<http://www.imfstatistics.org/imf/>> Retrieved February 2, 2009.
- Irish-Bramble, K. (2010). *Stemming the tide: An analysis of the changing patterns of political violence in post-independence Jamaica, 1962–2008*. Unpublished doctoral dissertation, New York University, New York.
- Katzenstein, P. J. (1985). *Small states in world markets: Industrial policy in Europe*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Zoido-Lobaton, P. (1999). Governance matters. World Bank Policy Research Working Paper, 2196.
- Kleinfeld, R. (2012). *Advancing the rule of law abroad: Next generation reform*. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
- Knox, A. J. G. (1962). Race relations in Jamaica, 1833–1958: With special reference to British colonial policy. Unpublished doctoral dissertation, University of Florida, Gainesville.
- Kohli, A. (2004). *State-directed development: Political power and industrialization in the global periphery*. Cambridge, UK; New York: Cambridge University Press.
- Sives, A. (2010). *Elections, violence and the democratic process in Jamaica: 1944–2007*. Kingston: Ian Randle Publishers.
- Smith, M. G. (1961). *Memorandum: Race and politics in Jamaica*. Spanish Town: Jamaica Archives, 4/60/2B/56.
- Smith, M. G. (1965). *The plural society in the British West Indies*. Berkeley: University of California Press.
- Smith, M. G. (ca. 1957). *Politics and society in Jamaica*. Spanish Town: Jamaica Archives, 4/60/2B/56.
- Stafford, P. (2005). The growth and development of the brown and black middle class, 1838–1988, and its role in shaping modern Barbados. Unpublished doctoral dissertation, University of the West Indies, Cave Hill.
- Stone, C. (1976). Class and the institutionalization of two-party politics in Jamaica. *Journal of Commonwealth and Comparative Politics*, 14(2), 177–196.
- Tamanaha, B. Z. (2004). *On the rule of law: History, politics, theory*. Cambridge, UK; New York, NY: Cambridge University Press.
- Tebaldi, E., & Mohan, R. (2010). Institutions and poverty. *Journal of Development Studies*, 46(6), 1047–1066.
- Tilly, C. (1990). *Coercion, capital, and European states, AD 990–1990*. Cambridge, MA: B. Blackwell.
- Tilly, C. (1985). War making and state making as organized crime. In P. B. Evans, D. Rueschemeyer, & T. Skocpol (Eds.), *Bringing the state back in* (pp. 169–191). Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- Under-Secretary of State for the Colonies. (1946, February 12). *Letter to Norman Manley*. Spanish Town: Jamaica Archives, 4/60/2B/11.
- orders: *A conceptual framework for interpreting recorded human history*. Cambridge, New York: Cambridge University Press.
- O'Dwyer, C. (2006). *Runaway state-building: Patronage politics and democratic development*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- OECD. (2007). *OECD DAC handbook on security system reform: Supporting security and justice*. <<http://www.oecd.org/dataoecd/43/25/38406485.pdf>> Retrieved August 30, 2010.
- People's National Party. (1955, January 10). *Political advertisement. The daily gleaner*.
- People's National Party. (1955, January 11). *Political advertisement. The daily gleaner*.
- Phillips, A. D. (1990). The parliament of Barbados 1639–1989. *Journal of the Barbados Museum and Historical Society*, 38(4), 422–451.
- Pioneer Group provided security from attack. (1978, April 2). *The daily gleaner*.
- Post, K. (1981). *Strike the iron: A colony at war: Jamaica, 1939–1945*. Atlantic Highlands, NJ, The Hague: Humanities Press, Institute of Social Sciences.
- Rigobon, R., & Rodrik, D. (2005). Rule of law, democracy, openness, and income: Estimating the interrelationships. *Economics of Transition*, 13(3), 533–564.
- Root, H. (1994). *Fountains of privilege*. Berkeley: University of California Press.
- Sheller, M. (2000). *Democracy after slavery: Black publics and peasant radicalism in Haiti and Jamaica*. Gainesville, FL: University Press of Florida.
- Sives, A. (2002). Changing patrons, from politician to drug don: Clientelism in downtown Kingston, Jamaica. *Latin American Perspectives*, 29(5), 66–89.
- UNODC & World Bank. (2007). *Crime, violence, and development: Trends, costs, and policy options in the Caribbean*. A joint report by the United Nations office on drugs and crime and the Latin America and the Caribbean region of the World Bank.
- UNODC. (2011). *United Nations surveys of crime trends and operations of criminal justice systems (first, second, third, fourth, fifth, seventh and eleventh surveys)*. <www.unodc.org> Retrieved June 13, 2011.
- US State Department. (2011). *2011 Investment climate statement – Barbados*. <<http://www.state.gov/e/eb/rls/othr/ics/2011/157239.htm>> Retrieved November 30, 2012.
- Weber, M. ([1922] 1978). *Economy and society: An outline of interpretive sociology*. Berkeley: University of California Press.
- Will, W. M. (1981). Mass political party institutionalisation in Barbados: Analysis of the issues and dynamics of the post-independence period. *Journal of Commonwealth and Comparative Politics*, 19(2), 134–156.
- World Bank. (2002). *World development indicators* [CD ROM]. Washington DC: World Bank.
- World Bank. (2008). *World governance indicators*. <<http://info.worldbank.org/governance/wgi/index.asp>> Retrieved July 3, 2008.
- World Bank. (2011a). *Crime and violence in Central America: A development challenge*. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2011b). *World development indicators online*. <<http://databank.worldbank.org>> Retrieved June 13, 2011.
- World Bank. (2011c). *World development report 2011: Conflict, security and development*. Washington, DC: World Bank.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی